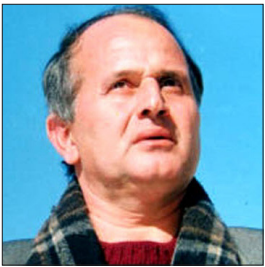


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

حجره‌ای که در زلزله بم مدفون شد



ایرج بسطامی ۱ آذر سال ۱۳۳۶ در شهرستان بم متولد شد. از کودکی به فراگیری دستگاه‌های موسیقی نزد پدر پرداخت و در آغاز جوانی برای فراگیری ردیف‌های آوازی نزد استاد شجریان آمد و به رغم مشکلات راه و مسافت زیاد، هفته‌ای یک بار به عشق فراگیری آواز از بم به تهران می‌آمد. هم‌زمان با وقوع انقلاب اتاقی در محله پامنار تهران اجاره کرد تا بتواند از آموزه‌های استاد شجریان بهتر بهره ببرد. پس از آن نزد پرویز مشکاتیان تلقیق شعر و موسیقی را آموخت و نخستین آلبوم‌های خود را با مشکاتیان انتشار داد. وی با مشکاتیان ابتدا کنسرت افشاری مرکب را در تالار وحدت برگزار کرد و سپس آلبوم‌های افشاری مرکب، سزده بهار، آفق مهر و وطن من را با آهنگسازی او عرضه کرد. بوی نوروز که حاصل همکاری گروه دستان و آهنگسازی محمدعلی کیانی نژاد است از جمله آثار به‌یادماندنی موسیقی ایرانی است که بسطامی آواز آن را خواند. آلبوم موسم گل، حاصل همکاری وی با محمدرضا درویشی که بازخوانی برخی از تصانیف قمرالملوک وزیری است اوج صدای بسطامی را به نمایش گذاشت. صدای اوج ایرج بسطامی تاکنون همتایی در میان آوازخوانان مرد نداشته است.

پس از این دوره بسطامی به همکاری با کیوان ساکت (آلبوم فسانه) وکورش متین (سکوت) و حسین پیرنیا (تحریر خیال) پرداخت. آهنگ گلیونه‌های وحشی که بعد از مرگ بسطامی در بم، آوازه‌ای ملی یافت حاصل صدای بسطامی روی آهنگی از پیرنیا بود. ایرج بسطامی ۵ دی ۱۳۸۱ در زلزله بم زیر آوار ماند و به دیار باقی شتافت.

خودزنی / محیط‌زیست

آنچه البته به جایی نرسد فریاد است

اعتراض به ادامه پروژه ساخت سد در گیلان و کردستان

این روزها داستان ساخت دوسد، یکی در شمال کشور در استان گیلان و دیگری در غرب و در استان کردستان، با اعتراضات و واکنش‌های زیادی مواجه شده است. سد گیلانی شفارود نام دارد و محیط‌زیستی‌ها به دلیل اینکه با ساخت و آبیگری آن، حجم گسترده‌ای از جنگل‌های کشور تخریب می‌شود با آن مخالف‌اند و در کردستان فعالان محیط‌زیست به دلیل تخریب‌شدن چشمه‌ها و آبشارها و مناظر طبیعی زیبا با ساخت سدی به‌نام «داریان» در استانشان مخالفت کرده‌اند. این اولین بار نیست که اعتراض‌ها به ساخت این سد‌ها رسانه‌ای می‌شود. روز گذشته «سه‌هزار فعال زیست‌محیطی و مدنی به رئیس‌جمهور نامه‌نوشته و خواستار جلوگیری از ناپودی «چشمه بل» و متوقف کردن آبیگری سدداریان شدند». در خبر دیگر هم ایستنا از «ایستادگی سازمان محیط‌زیست» در برابر ساخت سد «شفارود» خبر داد. در نامه‌ای که قریب به سه‌هزارنفر از فعالان محیط‌زیستی، مدنی، سیاسی، اقتصادی، شخصیت‌های دینی، علمی، آکادمیک و نخبه استان‌های کردستان و کرمانشاه، به رئیس‌جمهور نوشته‌اند و خواستار توقف آبیگری سدداریان شده‌اند. آمده است: «با آبیگری سدبدمطالعه‌شده‌داریان دومین چشمه آب معدنی جهان و بزرگ‌ترین چشمه کارستی در خاور میانه به‌نام چشمه بل که در سال ۱۳۸۸ به شماره ۶۴ در فهرست آثار ملی طبیعی به ثبت رسیده است، در زری ۲۰۰۹ متر ستون آب برای همیشه نابود می‌شود. منابع آب شرب کارستی و چشمه‌های بزرگ در این منطقه سبب به‌وجودآمدن مظاهر تمدن و سکونتگاه‌های متعدد با بافت اجتماعی منحصر به‌فرد در اورامانات گردیده است. این چشمه عظیم به تولید چهارهزار لیتر درثانیه بدون نیاز به تصفیه توانایی تأمین آب شرب دومیلیون نفر را داراست که ارزش آن بسیی بیشتر از چاه‌نفت است. بنابراین انتظار می‌رود هر چه‌زودتر جلو این فاجعه زیست‌محیطی گرفته‌شود». در خبری که در رابطه با سد شفارود منتشر شده نیز آمده است: «محمد درویش، مدیرکل آموزش و مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست با بیان اینکه به‌شدت با این مسئله مخالف هستم، که مجریان بدون دریافت هر نوع مجوزی از سازمان حفاظت محیط‌زیست به اجرایی و عملیاتی کردن پروژه‌ها اقدام می‌کنند، اظهار می‌کند: «اگرچه ادعا می‌شود سد شفارود به‌منظور تأمین آب شرب ۵۰ هزارنفر ساخته می‌شود. اما لازم به‌ذکر است؛ اگر این سد منحصراً ۹۳ هکتار هم باشد، حداقل ۴۰ میلیون مترمکعب آب در آن جای می‌گیرد. این در حالی است که برای ۵۰ هزار نفر تنها به پنج‌میلیون مترمکعب آب نیاز داریم. سد شفارود در منطقه‌ای که ریزش‌های آسمانی آن دوهزار میلی‌متر است و با جفر حدود ۴۰ سانتی‌متر در خاک می‌توان به آب رسید و در کنار دریای خزر قرار دارد، ساخته و از این طریق ۹۰ هکتار از ارزشمندترین جنگل‌های هیرکانی قطع می‌شود». خوب است که ما در چارچوب قانون اعتراض کنیم. خوب است که ما حرفمان را بزنیم. خوب است که هنوز انگیزه‌ای برای مبارزه با اشتباهه با باقی مانده. اما زور اعتراض ما بیشتر است یا تصمیمات مسئولان؟ این اعتراض‌ها قارر است به نتیجه هم برسد؟ من یکی با خواندن خبرهایی از این دست همیشه به یاد این بیت مشهور می‌افتم که: گوش اگر گوش توو ناله اگر ناله ماست / آنچه البته به جایی نرسد فریاد است…



فارسی را پاس بداریم

جریان «هوا» در باشگاه‌های بدن‌سازی مردانه

روز به روز علاقه‌ام به هم‌وطنانم بیشتر می‌شود. پس که نکته‌سنج و دقیق و موندند در همه چیز؛ هم وقتی تیم فوتبال مورد علاقه‌شان می‌بازد، هم در مواجهه با محیط زیست، هم در رعایت قوانین رانندگی و هم در فارسی‌نویسی.

امروز یکی از دوستان جامی‌ام دربارهٔ تصویری ایمیل کرد که آن را در این ستون با شما به اشتراک می‌گذارم تا همچون من اذعان کنید که ما ایرانیان در املا و انشایی بدیل‌ترین قوم جهانیم. به‌طور کلی ما در همه چیز بهترین و اولین و برترین و بالاترینم. تصویر یادشده، آگهی تبلیغاتی یک باشگاه بدنسازی مردانه است و در آن آمده است: «باشگاه بدنسازی اسپینو / ۷۰۰متر فضای مفید با مدرن‌ترین دستگاه‌های روز

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

من به هیچ وجه مطمئن نیستم که لیبرالم

نگاهی به آخرین مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای هانا آرن‌ت

در باره بانوی فیلسوف، هانا آرن‌ت به‌درستی گفته‌اند که «نظر به‌پرداز آغازهاست». این منش فکری، وقتی به نوشته‌ها و گفتارهایش مراجعه می‌کنیم کاملاً مشهود است؛ چه آنجا که در باب برخی از مهم‌ترین کلیدواژگان فلسفه و تجزیه‌ی آنها به معانی تازه می‌نویسد و چه وقتی در مقام نظر به‌پرداز هوشیار سیاست و عمل آدمی به‌ویژه در «مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها» لب به سخن می‌گشاید. در آنها از مسائل مبتلابه زندگی روزمره تا مقولات جدی‌تری چون ساختار قدرت در آمریکا تا حکایت سوم اظهارنظر می‌کند. هرچند اندیشه‌های او و واکنش‌هایش گاه با چاشنی واژگانی که حکایت از نارضایتی عمیق او دارند مطرح می‌شود اما بسیاری اعتراف دارند که گفتار او بدیع و تکان‌دهنده است. نشر ققنوس به‌تازگی کتاب مختصر اما مفید «آخرین مصاحبه‌ها و دیگر گفت‌وگوها» را با ترجمه هوشنگ جبرانی در اختیار علاقه‌مندان اندیشه‌های آرن‌ت قرار داده است. آرن‌ت در این اثر که برخی دیدگاه‌های قبل از مرگش مندرج است، خواننده را غافلگیر و هیجان‌زده می‌کند. در این کتاب خواننده با چند گفت‌وگوی بیرومن تجربه‌های گوناگون زندگی نظری و عملی آرن‌ت از رویکرد او در تفسیر سیاست و انقلاب یا جایگاه نقش «آی‌شم» در قربانی کردن به‌بودیان نکاتی جدید می‌شوند و با برداشتی از آرن‌ت به مثابه متفکر «آغازها» مواجه می‌شود؛ نظر به‌پرداز متمایز از جمع فیلسوفان سیاسی که عموماً اسیر مدهای فکری زودگذر شده‌اند یا در دام خیال‌اندیشی ناشی از غایت‌باوری سفت‌وسخت افتاده‌اند. او بیشتر دوست دارد بی‌آنکه به‌سادگی حق به جانب کسی یا نظریه‌ای بدهد در نوعی سیالیّت هراکلیتی «زبان» گفت‌وگورا با امکانی از مشارکت دوستانه در راه تفلسف انتقادی و نوعی هستی‌شناسی از وضع بشر تبدیل کند. آرن‌ت با نگرانی از آینده، خطر مهلک زمانه مدرن را نه‌فقط مواجهه با گونه‌هایی از نوع آی‌شم‌ها می‌داند، از آن بیشتر در پی انتقال این مسئله به خوانندگان است که ما به زمانه‌ای رسیده‌ایم که بالقوه ظهور «جنبش‌های بان» که مرزهای نژادی

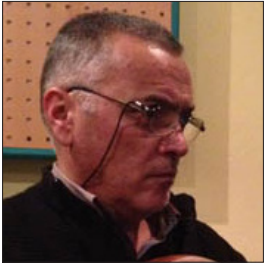
گردش روزگار برعکس است



سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد/ و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد/ یا به قول امروزی‌ها: مرغ همسا به غازه!
طرح: Turan Asan/ ترکیه

با کاروان حله / اخبار هنر

کنسرت خیریه آذربایجان در ایران

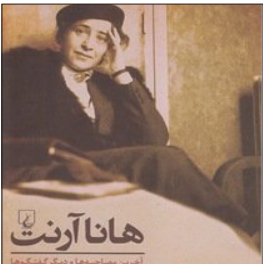


گروه موسیقی دنلوازان (کونول آنسامبلی) از کشور آذربایجان ۲۷ آذر ماه در برج میلاد تهران به‌صحنه می‌رود. دامون شش‌بلوکی مدیر برنامه‌های گروه موسیقی «دنلوازان» در گفت‌وگو با ن‌آلین گفت: کونول آنسامبلی گروهی متشکل از نوازندگان بسیار توانمند و چیره‌دست آذربایجان است که تاکنون در بسیاری از کشورها کنسرت داده‌اند و با ارکسترهای بزرگی مانند ارکستر وین و ارکستر هایدلبرگ آلمان اجراهای مشترکی داشته‌اند. وی افزود:

مالک منصوراف (سرپرست فنی گروه نوازنده‌تار)، الشن منصوراف (نوازنده کمانچه)، شیرزاد فتحلی اف (نوازنده بالابان، سرناو تونک)، کامران کریم اف (نوازنده تپقاره)، حسام‌الدین عزیز اف (نوازنده تپقاره‌بیم) و نورلان باکیراف (نوازنده‌بیم‌تار) اعضای گروه کونول آنسامبلی هستند که همگی افتخارات بزرگی در کشور آذربایجان دارند. وی ادامه داد: فرامرز گرمرودی نیز به‌عنوان نوازنده‌ساز عود، خواننده و سرپرست تنها عضو ایرانی این گروه است. وی با بیان اینکه این کنسرت در دستگاه‌های شور و همایون برگزار می‌شود خاطر نشان کرد: آلبوم این آثار نیز بزودی با عنوان «سوز ای‌ی‌وقا» توسط موسسه‌ماهور منتشر می‌شود. همچنین موسسه ماهور در همین راستا بزودی ردیف‌نوازی تار آذربایجان توسط مالک منصوراف را منتشر می‌کند. شش‌بلوکی در پایان با تأکید بر اینکه در آمد حاصل از این کنسرت به‌موسسه خیریه نیکان اهدامی شود ابراز داشت: ما نماینده‌مرزهای فرهنگی مان را با مرزهای سیاسی و جغرافیایی اشتباه‌گیریم. موسیقی در کشورهای ایران و آذربایجان ریشه‌های مشترک بسیاری دارد و برگزاری چنین کنسرت‌های باعث انتقال تجربیات هنری و موسیقایی کشورها و روابط بیشتر با یکدیگر می‌شود.

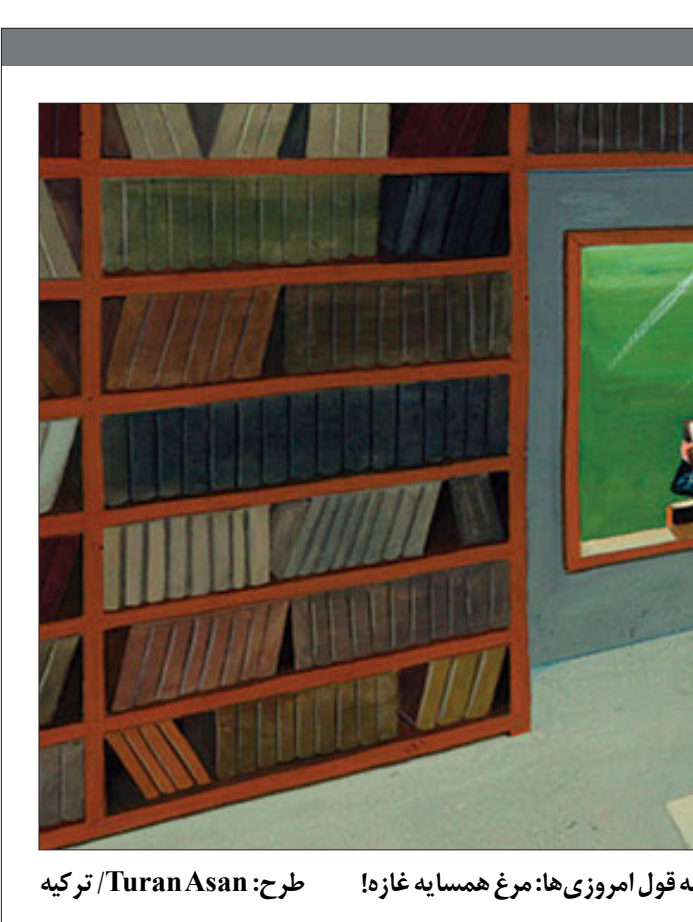
در بندهم از آن دو زلف بند اندر بند
نالام از آن عقیق قند اندر قند
ای وعدهٔ فردای تو بیخ اندر بیخ
آخر غم هجران تو چند اندر چند
(منوچهری دامغانی، قرن پنجم، رباعیات)

سوت‌بان



آخرین مصاحبه‌ها و دیگر گفت‌وگوها هانا آرن‌ت
هوشنگ جبرانی
ترجمه: هوشنگ جبرانی
انتشارات ققنوس
قیمت: ۸ هزار و ۵۰۰ تومان
صفحه ۱۳۶

نیستم که لیبرالم و البته هیچ اعتقادی هم به آن ندارم» نمی‌خواهد در حصار تنگ ایدئولوژی راست یک‌جای مشخص معرفی – سیاسی اشغال کند. از سوی دیگر با فاش کردن این موضوع که چه‌بسا حتی مارکس هم به دشواری می‌دانست که از سوسیالیسم آزمانی چه در ذهن دارد، بر خلاف بسیاری از متفکران سده بیستمی تسلیم اراده‌چپ هم نمی‌شود. آنچه در فلسفه «در راه‌بودن» اهمیت دارد این است که او ناظر دقیق و نکته‌سنج وضع بشری در عصر مدرن بود و بدین منظور تلاش داشت سوبه «تفکر انتقادی» راد خود به‌مثابه وظیفه‌ای کانتی زنده‌نگه‌دارد. او شجاعانه و به‌درستی نشان داد که نماد بار جمله «رنه‌شار» است: «میراث ما را هیچ سندی تضمین نکرده است».



حمایت کارگردان آمریکایی از مهاجران سوری



مستندساز برنده جایزه اسکار در انتشار نامه‌ای سرگشاده با اقدام فرماندار میشیگان مبنی بر ممنوعیت ورود مهاجران سوری به این ایالت، مخالفت کرد. مایکل مور که خود از اهالی میشیگان است خطاب به فرماندار میشیگان ریک اشناپدر نامه‌ای در فیسبوک منتشر کرد. مور در این نامه نوشت: «به شخصه قصد دارم با پیشکش کردن خانه خود به همان مهاجران سوری که شما قصد دور نگاه داشتنتان را

دارید، ممنوعیت وضع شده از سوی شما را به چالش بکشم.» او در این نامه اقدام اشناپدر را «ضد آمریکایی» دانست و اضافه کرد: «این آن چیزی نیست که قرار بود باشیم.» این کارگردان آمریکایی سال ۲۰۰۳ برای مستند «بولینگ برای کلمباین» برنده جایزه اسکار شد. او یک سال پس از آن نخل طلای جشنواره فیلم کن را برای فیلم «فازنه‌ایات ۱/۹» دریافت کرد. مایکل مور در بخشی از نامه خود نوشته است: «خوب یاد ما همگی اعقاب سه گروهیم: برده‌هایی که با غل و زنجیر به این کشور آمدند تا نیروی کار رایگانی برای ساختن این کشور باشند، بومیان آمریکا که تقریباً در کشتارهای دسته‌جمعی از سوی مسیحیان سفیدپوست از بین رفتند و مهاجرانی که از هر گوشه‌ای از جهان به آمریکا آمدند. خوشبختانه مادر ایالت میشیگان ده‌ها هزار عرب و مسلمان آمریکایی را در میان خود داریم. من به دلیل کارهای سنگ‌دانه، غیر مسیحی و بی‌پوستن شما به جمع ۲۵ فرماندار دیگر که خواستار ممنوعیت ورود مهاجران قانونی سوری به ایالات ما هستند، از شما ناامید شدم. خوشبختانه من یک آمریکایی هستم و جمهوری خواه نیستم.

مشهورش در باره تصفیه حساب چه‌نوشته است: «در دوران اخیر، بعضی گمان کرده‌اند که «تصفیه حساب» غلط است و به جای آن باید «تسویه حساب» بگویند. بعضی از فضلا (از جمله سعید نفیسی، در مکتب استاد، ص ۶۴) نیز بر این تصور غلط صحه گذاشته‌اند. تصفیه در عربی به معنای پاک کردن و پالوده کردن» است و «تصفیه حساب» در موردی به کار می‌رود که حساب پرداخته و پاک شده باشد و دیگر کسی طلبکار نباشد. همین ترکیب مجازاً به «هر نوع اقدام عملی برای انتقام‌جویی و کینه‌کشی» اطلاق می‌شود. ولی تسویه یعنی «مساوی کردن، یکسان کردن، همسطح کردن مثلاً زمین ناهموار را)» و «تسویه حساب» به معنای «ایجاد تعادل و موازنه در حساب» است. این ترکیب به معنای مجازی به کار نمی‌رود و با «تصفیه حساب» مرادف نیست.»

دلم می‌خواست استاد نجفی را ببینم و از ایشان خواهش کنم در چاپ بعدی کتاب «غلط‌نویسیم» حتماً یک مدخل جدید برای «تصویه

هوا» در نظر بگیرند. حیف است، واقعا حیف است که ما قدر چنین خلایق‌هایی را ندانیم.

